

همسوئی با کدام طرف؟ ایران یا آمریکا؟ منصور حکمت



و دموکراسی طلب امروز پژواک پیدا میکند. مستقل از تفاوت در تلقیات و انتخاب "همسویی" هاشان در این بخت آزمایشی جدید، مفروضات مشترکی ذهن اکثر اینها را شکل داده است. اگر بناست حقیقتی روشن شود باید این مفروضات را شکست. برخلاف تصور اکثر این جریانات: - آمریکا و غرب قصد سرنگونی رژیم را ندارند. بیشک نقض حقوق بشر و جنایات رژیم علیه مردم، دغدغه آمریکا نیست. اما مساله بر سر تروریسم رژیم اسلامی و یا خطر دستیابی آن به سلاح هسته ای هم نیست. جمهوری اسلامی و هیولای "بنیادگرایی اسلامی" به دلایل

در سال ۲۰۰۶ برای اتخاذ یک موضع مسئولانه و سیاسی در قبال خطری که با بحران و تشنج روابط بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی اوج گرفته است، قابل تامل اند. ایرج فرزاد

امکان اعمال منگنه اقتصادی و یا عمل نظامی علیه جمهوری اسلامی از جانب آمریکا، مشغله ها، عواطف و الفاظ کهنه ای را دوباره در اپوزیسیون بورژوازی باب کرده است. برای برخی این حکم سرنگونی قریب الوقوع رژیم محسوب میشود. سوال قدیمی "همسویی با کدام طرف" باز در کربورهای سازمانهای چپ سابق

این نوشته منصور حکمت به سوالاتی پاسخ میدهد که در شرایط احتمال عمل نظامی آمریکا و یا تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی، اساسا از جانب طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی و در کربورهای سازمانهای "چپ سابق"، که متأسفانه به نظر میرسد رهبری جنید حزب کمونیست کارگری با سرعتی خیره کننده هم زمان به جرگه هر دوی آنها پیوسته است، طرح شده اند. منصور حکمت این مقاله را در اوت سال ۱۹۹۳ برای انترناسیونال هفتگی شماره ۷ نوشته است، اما احکام این نوشته

کارگران و زحمتکشان ناراضی باز میکند و آنها را از عرصه دخالت سیاسی دور میسازد. هیات حاکمه حول یک پلاتفرم فوق راست و فالاتزیستی منسجم میشود. اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در شرایطی که بن بست اقتصادی و فلج سیاسی رژیم دورنمای عمل ثمربخش توده مردم را محتمل تر کرده است، یک مانده آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی خواهد بود. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی در سطح جهانی هر دو مبارزه میکنیم. برای کمونیسم کارگری تنها یک "همسویی" ممکن است و آن با منفعت انقلاب کارگری و امرآزادی است.

کاملا قابل درک فعلا کاندید بعدی پست امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی است که با سقوط شوروی خالی مانده ثابت سیاسی و اجتناب از اصطکاک نظامی در غرب و جهان صنعتی، علیرغم جنگ اوج گیرنده تجاری، و وجود فرجه ای برای رهبری آمریکا بعنوان ابر قدرت نظامی چنین دشمن استرژژیکی را ایجاب میکند. آنچه امروز در دستور غرب است، علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت جدید است و نه سرنگون کردن آن. همان دستهایی که قرار است جمهوری اسلامی را بکوبند، زیر بغلش را هم گرفته اند که زمین نخورد. - فشار غرب، بویژه اگر به عرصه نظامی کشیده شود، اتفاقا بر عمر رژیم میافزاید. چنین ضربه ای در درجه اول نست رژیم را در مرعوب کردن

جنگ، قلدری آمریکا و احزاب ناسیونالیست در کردستان ایران - 2

مردم، به کشتار و خانه خرابی و عدم امنیت زندگی مردم اهمیتی نمی دهند. امید حزب دمکرات برای دور زدن مردم، برای جلوگیری از دخالت آنها در شکل دادن به مقدرات زندگی شان، برای تقابل با چپ و جنبش کمونیستی در کردستان، به این جنگ و به آمریکا بسته است. در این بخش اضافه می کنم بغیر از رویاهایی که رهبران این حزب در امید حمله آمریکا به ایران در سر دارند، قرار است ←

نسل کشی بیسلبقه در ایران است. اما در کردستان، نشست و بر خواست این حزب با جریانات حاشیه ای و سرگرم کردن آنها حول ایجاد جبهه کردستانی، ناشی از نیاز این حزب به جلب توجه آمریکا و دولتهای منطقه به خود است تا به حسابش آورند و بکارش گیرند. رهبران این حزب به نعره کشی های نظامی آمریکا علیه بشریت اویزان شده اند، به نگرانی مردم از این فضای جنگی، به جنگ و عواقب آن بر



مجید حسینی

در بخش اول این نوشته به اینجا رسیدیم که فدرالیسم چی شدن حزب دمکرات کردستان ایران و نشست و بر خواستهای آن با جریانات قومی تولید شده ایندوره در ایران، از جمله مقدمات چیندن سناریوی سیاه و شکل دادن به جبهه بندیهای آتی نیروهای پاکسازی قومی و

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی حضور واحدهای گارد آزادی در شهر سنندج

و بعد از پایان کار موفقیت آمیز خود، سالم و سر حال آنجا ها را ترک کرده اند. اقدام جسورانه واحدهای گارد آزادی در شرایطی صورت میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی ایران برای مقابله و رو در رویی با اعتراض و مبارز روزمره مردم انقلابی کردستان، نیروی زیادی را در این منطقه متمرکز نموده است. جمهوری اسلامی تلاش دارد با این اقدامات فضای مختنق و جنگی ایجاد کند و چند صباحی به عمر ننگین خود ادامه دهد. با تمام این تلاشهای ضد مردمی، نیروهای مسلح گارد آزادی در شهرهای

دیشب یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۵ برابر با ۱۴ ماه مه ۲۰۰۵ ، چندین واحد از نیروهای مسلح گارد آزادی با کاردانی و جسارت در محلاتی از شهر سنندج حضور یافتند. این واحدها بعد از تامین و برقراری امنیت، هزاران نسخه از بیانیه حزب حکمتیست در مورد "خطر حمله نظامی آمریکا به ایران" و اطلاعیه های گارد آزادی را در شهرک بهران، شهرک سعیدی، شهرک بعثت، کارآموزی، پیر محمد، خیابان ۲۵ و روستاهای "نه نوله" و "قولیان" واقع در حومه سنندج ، پخش نموده

در صفحات دیگر

درباره خطر حمله نظامی به ایران
بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دست باندهای قوم پرست از رفقای جان باخته اردوگاه "بوتی" کوتاه!
خودکشی محمد صالح پریدر در بوکان!
فرزان هفت ساله کارگر خردسال هم قربانی این نظام وارونه شد!

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ایرج فرزاد

روز ۲۵ اردیبهشت ۶۷، ۲۳ تن از رفقای عزیز ما در یکی از اردوگاههای کومه له موسوم به "بوتی" در کردستان عراق هدف بمباران شیمیایی هواپیماهای رژیم بعث قرار گرفتند و جان باختند. رفقا: - فرنکیس شاهوئی - ناصح مردوخ - منوچهر محمودیان (مرتضی) - مریم مجنون (سعادت) - فرشته رضائی (زهره) - جلال بینجویی -

دست باندهای قوم پرست از رفقای جان باخته اردوگاه "بوتی" کوتاه!

احمد محمدی - بایزید بیاز - پرویز تاجوانچی - نادر قاضی زاده - حامد مدرسی - محمد عمرعلی - محمدرسول خوش صفت - سید حسین سیگاری - سعید محمدی - اسماعیل مصطفی زاده - وفا توتونچی - کیومرث مهاجر - عبدالله هوشیاریان - علی حسن محمدی (طهمورث) - کمال رضائزاد - کریم جنتی - کریم عبدالله پور در صفوف حزب کمونیست ایران به عنوان کادرهای برجسته و پرسنل فنی ارگانتها و نهادهائی چون رادیو سراسری حزب کمونیست ایران در این

اردوگاه زندگی و فعالیت داشتند. در این میان، اما، سازمان دست ساز زحمتکشان که محصول تهاجم نظامی آمریکا در سال ۹۱ به جامعه عراق بود و با توطئه و "جعبه سیاه"، به جرگه فرقه ها و سکتتهای فاشیست قومی پیوسته است، در تلاشی رنیلانه نام و خاطره این رفقای عزیز و کمونیست را به عنوان "شهادی کردستان" زیر پرچم کردستان و تمثال قاضی محمد و بدرخان و حمه رشید خان بانه و اسماعیل آغای سمیتقو ردیف کرده است. به این مصادره عشائیری و این اهانت

و بی حرمتی به رفقای جان باخته اردوگاه بوتی نباید میدان داد. نباید اجازه داد مثنی قوم پرست برای راه اندازی طرح ارتجاعی فدرالیسم قومی و استقبال از سیر خونین پاکسازیها و نفرت پراکنیهای قومی و بر پا کردن گورهای دسته جمعی، حرمت و شخصیت و محبوبیت رفقای کمونیست ما را گروگان بگیرند و به شغل سخیف "شهید خوری" ادامه دهند. رفقای جان باخته اردوگاه بوتی، به آرمائی تعلق دارند که پرچم اش، در آوردن هویت جهانشمول انسان از زیر بار تهاجم افسارگسیخته ارتجاع هویت جعلی و وراونه قومی و ناسیونالیستی و مذهبی است. این

رفقا به جهان سوسیالیسم، به دنیای مبارزه کارگر صنعتی جهان ما علیه برنگی مزدی و پایان دادن به هر نوع جدائی و تفرقه و نفرت ملی و قومی در جامعه بشری و بین انسانها، تعلق دارند. دست دستجات و باندهای قومپرست، این معماران گورهای جمعی، جوخه های اجیر پاکسازیهای قومی و مزدوران نواتر "نظم نوین" برای زیر و رو کردن شیرازه مدنیت جامعه از تاریخ مبارزاتی و خاطره عزیز رفقای ما کوتاه!

۱۶ مه ۲۰۰۶



این حمله مرهمی بر تناقضات و جناح بندیهای درونی آن حزب هم باشد. فدرالیسم خواهی حزب دمکرات، به اضافه تهدیدهای نظامی آمریکا علیه ایران، دو فاکتوری است به نفع دبیر کل فعلی و جناحش. اگر حمله ای صورت بگیرد و کنترل کردستان از دست رژیم در رود، جناح در قدرت این حزب دست بالا می گیرد و تسلط آن بر جناح مقابل برای طولانی مدت تثبیت خواهد شد. در شرایط فعلی، فدرالیسم خواهی و فضای جنگی از جمله ابزار اصلی سفت و سخت تر کردن مناسبات درونی و بر کناری ها و حاشیه ای کردن رقیب و به تمکین کشاندن آن است. اگر جنگی در نگردد و اوضاع به روال سابق برگردد، اختلافات درونی این حزب وسعت و شدت خواهد گرفت.

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در رابطه با تهدید جنگی آمریکا و امکان حمله به ایران، موضع حفظ وضع موجود و پاسیفیستی دارد. بعد از مدتها سکوت بالاخره از دیگران خط گرفتند، در نوشته ای بنام، "بحران اتمی، کشمکش و جدال دو استراتژی" در نشریه

جهان امروز شماره ۱۷۷، نوشته اند "جنگالی که بر سر پرونده اتمی ایران بر پا شده است باز تلب نزاع و کشمکش دو استراتژی است." و در آخر همین نوشته وظایف نیروهای سوسیالیست و آزادیخواه را چنین تعریف کرده اند: "افشای ماهیت امپریالیستی و ارتجاعی اهداف و سیاستهای آمریکا تلاش برای گسترش مبارزات کارگری و توده ای علیه جمهوری اسلامی و سازمانیابی جنبش های اجتماعی دور میزند." هدف نقد کامل آن نوشته نیست. اینجا به دو نکته، درک رهبران کومه له از این بحران و وظایفی که در این دوران برای خود تعریف کرده اند و عواقب سیاست آنها اشاره کوتاهی خواهیم کرد. عنوان مقاله و محتوای آن، کشمکش جمهوری اسلامی و آمریکا را به تقابل استراتژی های این دو دولت تنزل داده است. این سیاست، که نقش ایران در ایجاد بحران را به حد آمریکا نزدیک کرده است، در عمل به معنای پنبیرش صورت مسئله راجع به ایران از طرف آمریکا است. گویا جنگ و قلدری آمریکا به خاطر دخالت ایران در عراق و فلسطین و افغانستان و مسئله اتمی و...

است. این قبیل بهانه ها، فاکتورهای حاشیه ای اند و تعیین کنند نیستند. آمریکا در عراق چکار می کند، مجوز حمله به کشورها و نعره کشی نظامی علیه جهان را از کی گرفته است؟ اینها طعمه های فریب اند، که در جریان حمله به عراق، یوگسلاوی سابق، افغانستان و سومالی و غیره، همرا با ادعای پیاده کردن دموکراسی و بر کناری دیکتاتورها و جمع آوری سلاح های کشتار جمعی سوخت و بر ملا شد. آمریکا به بنیال تحمیل نظم نوین خود است و در هر جنگی بهانه ای متناسب با شرایط جور خواهد کرد و سیل رسانه ها و روشنفکران جیره خوار در توجیه آن به خط خواهند شد. فرمول "جدال دو استراتژی"، میبایست با اتکا به مبانی خودش مسئله می شد. جمع کردن، انبوهی از دلایل سیاسی و اقتصادی مربوط و نامربوط در توضیح آن، القاط و بی خطی کومه له را نشان می دهد. منشاء این سیاست کومه له بر می گردد به چه مژده به توهم به توخرداد. فواید این بی خطی کومه له در کردستان به جیب ناسیونالیسم کرد بر می گردد. اتفاقا در این دوره که تمام احزاب ناسیونالیست کرد در توجیه حمله

آمریکا صف بسته اند، کومه له میبایست بطور قاطعی مرز خود را با این جریانها، در رابطه با این بحران مشخص می کشید. فرمول، "جدال دو استراتژی" جنبه ضد رژیم این سیاست کومه له را بر جسته تر کرده است و جای اقدامات و چاره اندیشی مردم در مقابل جمهوری اسلامی و این جنگ را حاشیه ای کرده است. این موضع با فضای ناسیونالیستی ایندوره در کردستان جوردر می آید و جذابیت دارد. در تعیین وظایف برای "نیروهای سوسیالیست و آزادیخواه" بی سیاستی و دنباله رویی مطلق کومه له از وضع موجود و سیر کردن آن در بستر ناسیونالیسم کرد را بنحو برجسته ای نشان می دهد. افشای ماهیت آمریکا و سازمانیابی جنبش های اجتماعی، چیزی به فعال کمونیست و به مردم نمی گوید. کسی نمی داند فرق این موضع و یا این چنین وظایفی در شرایط اضطراری و ویژه فعلی با حالت روتین و عادی چیست؟ در هر وقت و در هر شرایطی می شود این رهنمود های کلیشه ای تکرار کرد و خلخوش کرد سیاست گرفته آید. این مرگی و بی حالی سیاسی در خلاء انجام نمی گیرد،

حتما گرایش های دیگری نفعش را به جیب میزنند. برنامه چیده اند که تمام مراکز سیاسی و اقتصادی و علمی یک جامعه را با خاک یکسان کنند، کمترین آمار تخمینی کشته ها ده ها هزار نفره است و میخوانند جنگی را راه بیندازند که بر تمام دنیا تاثیر خواهد کرد و با این رهنمود مردم چکاری می توانند انجام دهند؟ اعلام موضع که مولای درزش نرود در قاموس چه های سنتی، "سیاست گذاری" است و برای راحت کردن وجدان. همین حالا هم جمهوری اسلامی و هم احزاب ناسیونالیستی و درونسته های قومی و فاشیست کرد، ترک، عرب، فارس، بلوچی و سیستانی از فضای جنگی نهایت استفاده را کرده اند و به جان مردم افتاده اند. باید به مردم گفت در مقابل این وضع سنگر بندی مستقل خود را بکنند و کمونیستها دست دست بکار شوند، بروند مشغول سازمانیابی جنبش های اجتماعی شوید جواب نیست.

20060516

مجید حسینی

برای مردم در مقابل هر دولت و جریان فاشیست و هر سناریوی سیاهی است که زندگی مردم را تهدید کند. عبدالله دارابی فرماندهی گارد آزادی ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۵

پیوستن به واحدهای گار آزادی، تشکیل این واحدها در شهرهای مختلف و برقرار کردن ارتباط با فرماندهی گارد آزادی، قتمی جدی و ضروری در راه ایجاد امکان دفاع از خود کردستان حضور می یابند و تکثیر و آمده میشوند تا در مقابل هر پیشامدی از زندگی امنیت مردم دفاع کنند.

به مناسبت هفته منصور حکمت، اکتبر ویژه، در تاریخ ۷ ژوئن منتشر خواهد شد!

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

درباره خطر حمله نظامی به ایران بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

امکان حمله آمریکا به ایران در ماههای اخیر، خطر تحقق کابوس مخوفی را بر فراز سر مردم ایران به حرکت در آورده است. کابوسی که طبق اعتراف "بهترین" و "خوشبین ترین" استراتژیست های نظامی آمریکا، کشتار ده ها هزار نفر از مردم ایران، ویرانی کامل بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران، و عقب گرد جامعه ایران و کل خاور میانه به میدان عمل تروریسم لجام گسیخته آمریکائی و اسلامی، و تبدیل ایران به حوزه تاخت و تاز انواع دستجات مسلح قومی و مذهبی، را ببار خواهد آورد. این کابوس نه تنها سیمای خاورمیانه بلکه سیمای کل جهان معاصر، توازن و تعادل بین قدرت های اقتصادی با هم و با مردم، و بالاس ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی جهان را دستخوش تغییرات اساسی و سرنوشت سازی خواهد کرد. سیاست ارباب نظامی، ریلکاری سرمایه داری و سیاستمداران و رسانه های آنها را بار دیگر به نمایش گذاشت. دولت هایی که در مقابل چشمان حیرت زده جهانیان، ظرف چند روز عراق کشوری چند ده میلیونی را تماماً منهدم کردند، بناگهان "حافظ صلح و امنیت" جهان قلمداد میشوند. مسببین نسل کشی در ویتنام و تنها بکار گیرندگان بمب هسته ای علیه مردم بیگانه در تاریخ بشر بناگاه مدافع "امنیت جهان" و "حقوق بین الملل" از آب در می آیند. دولت های مختلف و ژورنالیسم نوکر حقایق این سلطه طلبی آشکار را از مردم پنهان میکنند. دارند جهان را برای یک سلسله جنگ و آدم کشی عنان گسیخته آماده میکنند. و رای پروپاگاندا میلیتاریستی آمریکا در مورد علل این جنگ، در پس عوامفریبی ها و تحریکات دول ایران و آمریکا بر سر "مناقشه اتمی" و "با موجودیت دولت اسرائیل"، و رای تبلیغات کر کننده دستگاه های رسمی دروغ پردازی در مورد دلایل ضرورت حمله نظامی به ایران، حقایق مربوط به یکی از خونبار ترین جنگ های معاصر، خود را نشان میدهد. تخاصم و مناقشه دولت آمریکا و جمهوری اسلامی هم عمر و هم تاریخ رژیم اسلامی است و سابقه ای بیست و شش ساله دارد. نه ضدیت جمهوری اسلامی با آمریکا و نه دشمنی هیات حاکمه آمریکا با

جمهوری اسلامی هرگز کمترین رگه ای از منفعت مردم آمریکا و خواسته های آزادیخواهانه مردم ایران را در بر نداشت. این جدال نو نیروی ارتجاعی بود که پیروزی و شکست، قدرت و ضعف هریک از طرفین آن جز تباهی و سیه روزی مردم را در بر نداشت. این کشمکش دول آمریکا و ایران هرگز جنگ مردم نبود. اما، "مناقشه اتمی" اخیر و خطر حمله نظامی آمریکا به ایران ادامه جنگ همیشگی دول ایران و آمریکا نیست. کابوس تبدیل ایران به عراقی به مراتب خونین تر امروز نه مقطعی در آن تاریخ است و نه ادامه کشمکش "سنٹی" بین ایران و آمریکا. این نور از جنگ و آدم کشی و انهدام، ریشه در منافع دیگری دارد. برای تثبیت قدرت بلامنزاع آمریکا در سطح جهان، همه چیز و همه کاری، از تخریب و کشتار میلیونی تا بستن شیر آب آشامیدنی بر روی میلیونها کودک در عراق، از ریختن هر روزه هزاران تن بمب و سموم شیمیایی بر سر یک جامعه تا اشغال و کوچ اجباری و راه اندازی نسل کشی "مجاز" است. چه کسی است که منفعی که پشت خونین ترین جنگ های جهانی امپریالیستی که سرمایه داری برای تعیین تکلیف قدرت بره انداخته است را نداند؟ چه کسی است که قدرت تخریبی سرمایه داری و قدرت های امپریالیستی برای ایجاد تعادل در تاریخ سرمایه را نداند؟ فروریختن دیوار برلین و تعادل جدیدی که قرار بود بدنبال حذف بلوک شرق برقرار شود همچنان تا امروز حل نشده و بالاتکلیف باقی ماند. دو حمله به عراق و انهدام و تخریب و قتل عام کودکان در عراق، تراشیدن انواع محور های شر تا امروز نتوانسته است قدرت بلامنزاع و سرکردگی آمریکا را بر رقبای اقتصادی روسی و چینی و اروپای متحد، تثبیت کند. "کاندیداتوری" ایران و قربانی کردن میلیونها نفر از ساکنین آن، قرار است تکلیف سرکردگی آمریکا را یکسره کند. راه نظم نوین جهانی به سرکردگی آمریکا، از این مسیر خونین میگذرد. مسئولیت این تباهی تماماً با آمریکا و متحدین اش است. اگر برای نابودی هر دیکتاتوری و زورگو و مستبدی و هر حکومت فاشیستی باید کشوری را با بمب و

جمهوری اسلامی بسیج خواهد کرد، تمام بورژوازی در اعمال به بی حقوقی بیشتر، فقر و فلاکت، اختناق و سرکوب بیشتر بر مردم شرکت خواهند کرد. تحریکات نظامی آمریکا و غرب، فضای زندگی مردم ایران را اسلامی و میلیتاریزه میکند و به جمهوری اسلامی ایران امکان تعرض وسیعی و گسترده تری را میدهد. در این میان وضعیت احزاب، روشنفکران و تحصیل کردگان سیاسی مستصلی که در دل رویاهای ابلهانه میپروراندند، اسفناک است. این نیروها بازیگران ناشی و کونن میدان فریب و ریا "مناقشه اتمی" اند که "صورت مسئله" بحران حاضر را از آمریکا و متحدین غربی اش پذیرفته اند. قبول کرده اند که واقعا کشمکش بر سر مسئله هسته ای است و در نتیجه یا در صف اقمار و متحدین نور و نزدیک آمریکا ایستاده اند و حداکثر اختلاف شان با آمریکا "نظامی بودن" راه حل است و یا به نور جمهوری اسلامی میچرخند. احزاب و نیروهای ناسیونالیستی و اسلامی که گرسنگی نکشیدن کودکانشان، مسکن، آزادی، بهداشت، تحصیل، زندگی امن و انسانی و برابر را جزو حق بدیهی مردم نمیدانند یکباره عناصر پر حرارتی در نفاع از "حق ایران برای غنی کردن اورانیوم" و "حق و حقوق بین المللی" از آب درآمده اند! گروه هایی که یا به کشتارگاه جمعی آمریکا، برای خلاصی از "شر ایران اتمی"، چشم امید دوخته اند یا برای مقابله با خطر حمله آمریکا و در نفاع از "حق اتمی" به ارتجاع اسلامی، دخیل بسته اند. این نیروها یا فریب دستگاه های دروغ پردازی سیاستمداران آمریکا را خورده اند و حمله آمریکا را راه تقابل با "ایران اتمی" میدانند، یا خود معماران و سازندگان این ساختمان فریب و ریا هستند. کسانی که یا در نفاع از "حق ملی" ایران برای "اتمئ" شدن، به زیر عبای اسلام "ضد امپریالیست" و حکومت اسلامی می خزند یا از فرط "اشمنی" با جمهوری اسلامی سرباز بی جیره موجب هیات حاکمه آمریکا خواهند شد. در هر حال جز تقویت ارتجاع رسالت خدمتگزاری دیگری ندارند. حمله آمریکا به ایران جنگی علیه بشریت است. علیه مردم ایران و جهان است. این جنگ پیش پرده سرکوبهای فردا است. این جنگ اولتیموتومی است که معماران نظم ارتجاعی نوین به جنبش های

کارگری و حق طلبانه در هر گوشه جهان میدهند. مصائب این جنگ به قربانیان بلافصل آن در ایران و خاورمیانه، به کشته ها و زخمی ها و آوارگان اش، محدود نمیشود. این جنگ جهان را در همه ابعاد به عقب میکشد. نباید گذاشت این جنایت هولناک صورت بگیرد. نباید گذاشت که مردم ایران را قربانی عروج و سرکردگی آمریکا کنند و سایر مردم جهان را به بی قدرتی و تسلیم عادت دهند. نباید گذاشت مبارزه مردم ایران را دستمیه عروج نیروهای ارتجاعی و تعیین تکلیف سلطه طلبی امپریالیستی دولت آمریکا کرد. باید مقابل مسیر خونین تثبیت سرکردگی آمریکا را سد کرد. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی باید همه قدرت خود را برای متحد و متشکل کردن میلیونی مردم آزادیخواه به میدان آورد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست هر نوع حمله آمریکا به ایران را محکوم میکند. ما اعلام میکنیم که در داخل ایران و در خارج کشور، پیشاپیش صف بشریت مترقی و آزادیخواه با سناریو آمریکا برای تثبیت سرکردگی خود به قیمت قربانی کردن میلیونی مردم ایران، مقابله خواهیم کرد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در مقابل میلیتاریسم و سلطه طلبی امپریالیستی سرمایه، بر اتحاد و هم سرنوشتی طبقه کارگر جهانی، اتحاد و هم سرنوشتی همه مردم جهان، حساب میکنند و نفاع از ایران را وظیفه فوری خود میدانند. ما اعلام میکنیم که مقم بر هر حق دیگر هسته ای یا غیر هسته ای، آزادی، برابری، شادی، رفاه، استثمار نشدن، سرکوب نشدن، بهداشت، رفاه، خلاصی فرهنگی و تعلی فیزیکی و معنوی حق مردم ایران است. جمهوری اسلامی تمام این حقوق را از مردم ایران دریغ کرده و سنگ بنای کل اختناق و فقر حاکم بر ایران است. مردم ایران در این مسابقه اعمال حق غنی سازی جمهوری اسلامی نه شریک اند و نه در آن نفعی دارند. حزب ما در ایران پیشاپیش مردم در مقابل میلیتاریزه کردن فضای زندگی مردم، علیه تحصیل اختناق اسلامی و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی مردم، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ میلیتاریستی و مردم را برای نفاع از امنیت، معیشت و

خودکشی محمد صالح پریدر در بوکان!

کشی خواهیم زد!"

در کشوری که فقط ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه برای گله بسیج اختصاص دادند، در کشوری که ۸۵ درصد کل ثروت آن مملکت را در اختیار یک مشت سرمایه دار اسلامی از نوع رفسنجانی است، در کشوری که دهها برابر بودجه کلان که برای بسیج اختصاص دادند در اختیار سپاه و ارتش و سازمان اطلاعات برای سرکوب و مرعوب کردن مردم اختصاص دادند، ما شاهد خودکشی روزانه انسانهای شریف مانند محمد هستیم، شاهد میلیونها کودک بی سرپناه، میلیونها کارگر گرسنه، میلیونها دانشجو بیگار و سرکوب شده و بی

خبر خیلی "ساده" است. محمد صالح پریدر در شهر بوکان بدلیل عدم توانایی در باز پرداخت بدهی هایش خودکشی کرد. مثل خبرهای "ساده" مرگ بی وقفه ناشی از فقر و گرسنگی و فشار و شکنجه و تحقیر هر روزه شریفترین انسانهای این کره خاکی و در ابعاد میلیونی. محمد صالح در یادداشت مفصلي که از خود بجای گذاشته است گفته است: "با کسی دشمنی و خصومت شخصی نداشته است، بلکه بدلیل بدهکاری چندین میلیون تومانی که دارم و توان باز پرداخت آن را ندارم دست به خود

پول و مسکن و میلیونها دختر فراری و به اعتیاد کشاندن میلیونها جوان زیر بیست سال و غیره و غیره هستیم.

مردم و جوانان می بینند که حکومت اسلامی چه هزینه سرسام آوری را در اختیار نیروهای سرکوب و دیگر نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی قرار داده است که فقط کار و نقش شان در جامعه سرکوب است و مصرف کننده. با حقوق ماهانه که فرماندار و مسئول اطلاعات و امام جمعه و مزوران و مفت خوران مشابه که دارند میشود زندگی جمعیت زیادی را تامین کرد. اگر حتی پنجاه درصد آن بودجه که برای نیروهای دولتی و مراکز اسلامی و مسلح و جاسوسی در بوکان اختصاص داده شده است در اختیار

مردم بوکان قرار داده شود، يك نفر در فقر و بي مسکنی و در گرسنگی بسر نخواهد برد.

اما این حقیقتها و آرزوهای انسانی زمانی میتواند به مادیت و به يك واقعیت اجتماعی تبدیل شود که دست در دست هم و یکپارچه و متحد برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان بیاییم، که دین و اسلام و نژاد پرستی و ناسیونالیسم و دولت و احزاب و صاحبان آن همواره برای حفظ چنین جامعه جنگلی تلاش کرده اند و از آن نان خورده اند و بر این بستر قدرت خود را حفظ کرده اند. کدام کرد زبان و غیر کرد زبان نامحترم سرمایه دار و یا مسلمان سرمایه دار دست "ترحم" به سوی همین نوع انسان های شریف، یعنی کسانی که با درد و رنج و تلاش و

نیروی کارشان حتی آنها را به مقام سرمایه دار رسانده است، دراز کرده است؟

در همینجا به خانواده و بستگان محمد عزیز و همه مردم شریف و مبارز بوکان به مناسبت این واقعه بسیار ناگوار و تکاندهنده تسلیت میگویم

سلام زیجی

s_zijji@yahoo.se

0046736227959

۲۶ اردیبهشت ۸۵

۲۰۰۶ هـ.م

www.azadibarabari.net

www.hekmatist.com

www.oktober.com

کمک های مالی به کمیته کردستان و گارد آزادی

محمد رهبر ۱۰۰ کرون نوژی

پرشنگ خاتمی ۱۰۰ کرون نوژی

سیاوش ۱۰۰ کرون نوژی

تشکیلات نوژی حزب حکمتیست ۲۷۰۰۰ کرون نوژی

کمک های جماعی شده توسط عدرا آدمی (آباجی) ۷۰۰ کرون سوئد

فرزان هفت ساله کارگر خردسال هم قربانی

این نظام وارونه شد!

خاتواده مجبور بوده به همراه دیگر اعضای خانواده تن به کار طاقت فرسا دهد. فرزان هم مانند دیگر فرزان ها روزهای جمعه به جای تفریح و لذت بردن از روز تعطیل ساعتها سر جاده سندانج، کامیاران مجبور به فروش توت فرنگی بوده است. فرزان به همراه یکی از برادرانش مشغول کارش بوده که ناگهان خودروی او را زیر می گیرد. متأسفانه فرزان بر اثر این حادثه جانش را از دست

روز جمعه ۱۲ مه ۸۵ فرزان محمدی در حین انجام کار (فروش توت فرنگی) در جاده سندانج کامیاران در یک حادثه رانندگی به شدت زخمی و بعد از چند ساعت دست و پنجه نرم کردن با مرگ و علی رغم تلاش زیاد پزشکان متأسفانه قلب کوچک این کارگر خردسال برای همیشه از حرکت باز ایستاد. ماجرا از این قرار بوده است، فرزان به علت تنگدستی

استثمار می شود به این فجایع دلخراش پایان داد. از صمیم قلب این حادثه ناگوار و تکان دهنده را به خانواده و بستگان فرزان، پدرش عطاء و مادرش فرخنده عزیز تسلیت می گویم و خود را شریک غم از دست دادن جگر گوششان می دانم. آرزوی سلامتی و یک دنیای بهتر را برایشان دارم.

مختار محمدی ۱۳ مه ۲۰۰۶

برند در این جهان وارونه روزانه هزاران کودک قربانی ثروت انبوهی سرمایه داران و بقای نظام سرمایه می شوند. اگر پدر فرزانه کار وامکانات داشتند، زندگی و معیشت خانواده هایشان تامین می بود باز هم چنین حوادثی اتفاق می افتاد؟ در این نظام وارونه هر روز در گوشه و کنار این کره خاکی هزاران فرزان قربانی وحشیگری و بربریت مطلق نظام سرمایه می شوند. راه جلوگیری از چنین حوادث ناگوار چیست؟ بدون شک تنها با به زیر کشیدن نظام سرمایه و برپایی دنیایی عاری از ستم،

می دهد. نظم موجود اجازه نداد فرزان سال اول تحصیلیش را به پایان برساند. این سرنوشت صدها فرزانی است که نظام سرمایه داری در سنین پلین وادار بکارشان می کند. کار کردن در ورزهای تعطیلی تنها مختص به فرزان نبوده و نیست. هزاران فرزان به جای لذت بردن از زندگی کودکانه شان، بعلت کار در کوره های آجر پزی، کارگاه های قالی بافی، کار در مزارع کشاورزی، نبود امکانات بهداشتی، درمانی، عدم وجود غذای کافی و یا در اثر چنین حوادثی برای همیشه آرزوهای کودکانیشان را با خود به گور می

آورد و بر لجام گسیخته بورژوازی کشور هایشان افسار بزند. جهان سرمایه بدون حضور و دخالت فعال طبقه کارگر، بدون ترس از قدرت طبقه کارگر، جهمی است که پیش رو داریم باید همه نیروی خود را برای متوقف کردن چرخ این جهنم به میدان آورد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ (۱۲ مه ۲۰۰۶)

در کشور های متروپل، حساب میکند. حزب ما بر اتحاد طبقاتی طبقه کارگر و نیروی این طبقه در سطح جهان، بعنوان یک عامل مهم و تعیین کننده برای تغییر روند سیاه سلطه طلبی و میلیتاریسم امپریالیستی، و در نفع از مردم ایران، حساب میکند. حزب ما به متحین طبقاتی خود در غرب، یعنی طبقه کارگر و بشریت متمدن در غرب، رجوع خواهد کرد. جهان نباید میدان یکه تازی سرمایه و دول ارتجاعی آن باشد. طبقه کارگر در غرب باید بار دیگر قدرت طبقاتی خود را با متوقف کردن چرخ های تولید به میدان

کردن آنها بر سرنوشت شان به هر اندازه ممکن، مانع از پاشیدن شیرازه جامعه شویم. حزب ما، مبتکر ایجاد "گارد آزادی" متشکل از مردم مسلح برای دفاع از امنیت و آزادی شان و برای مقابله با سناریوی عراقیزه شدن ایران، و همچنین ضرورت اعمال کنترل مردم بر محلات است. در این راستا تلاش میکنیم که مردم و بخصوص طبقه کارگر را متشکل کنیم و گارد آزادی را به نیروی مسلح مردم برای دفاع از زندگی شان در سراسر ایران تبدیل کنیم. در خارج کشور، حزب ما بر دخالت فعال طبقه کارگر، بخصوص در مراکز کلیدی و

زندگی شان سازمان می دهد.

ما تلاش میکنیم که مردم در محل های کار و زندگی شان کنترل اوضاع را بدست بگیرند و با تشکیل انواع تشکل های محلی و سراسری خود را در مقابله با بحران حاضر تجهیز کنند. ما معتقدیم که تنها راهی که در مقابل مردم ایران قرار دارد متشکل شدن، متحد و قدرتمند شدن برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و خارج کردن کنترل جمهوری اسلامی بر زندگی شان است. ما تلاش میکنیم که با مشکل کردن، سازمان دادن و مجهز کردن مردم ایران و حاکم

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!